

نقش الغاء خصوصیت در تفسیر آیات اقتصادی در قرآن

چکیده

اسلام به اقتضای جامعیت خود پاسخگوی نیازهای بشر در همه ابعاد زندگی از جمله مسائل اقتصادی می باشد. برای این که آیات و تفاسیر مربوط به آن در زمینه اقتصادی منحصر به افراد، زمان و مکان خاص نباشد، ضرورت دارد به نقش الغای خصوصیت در تفسیر آیات اقتصادی پرداخته شود. در این تحقیق، مطالعه توصیفی- تحلیلی برخی آیات اقتصادی و استخراج نکات تفسیری از آن آیات، بررسی شد. آموزه ها و پیام های تربیتی آیات براساس الغاء خصوصیت بیان گردید. مهلت دادن به بدهکار، لزوم داوطلب شدن افراد دارای صلاحیت جهت تصدی مناصب اقتصادی، لزوم نظارت حکومت بر امور اقتصادی (تولید، توزیع و...) در وضعیت بحرانی، نیل به خودکفایی، مقدم نکردن تجارت بر امور دینی، پرداخت بخشی از مالیات اسلامی (خمس) به فقیران و در راه ماندگان، عدم تمرکز ثروت در دست عده ای معدود یا طبقه ای خاص، ممنوعیت مبادلات باطل، حرمت هرگونه کسب درآمد بدون تلاش و اصلاحات اقتصادی، از جمله موارد کلی مطرح شده در این نوشتار می باشد. در پایان نیز عوامل معنوی مرتبط با رشد اقتصادی از جمله استغفار، امنیت، ایمان و پایبندی به تعالیم دینی مورد اشاره قرار گرفت.

واژگان کلیدی: الغای خصوصیت، آموزه های اقتصادی، آیات اقتصادی، تفسیر

مقدمه

آموزه‌های اقتصادی قرآن همانند سایر آموزه‌های قرآن کریم همه ابعاد زندگی انسان را شامل می‌شود و خطوط اصلی روابط و حقوق اقتصادی را تبیین می‌نماید. توجه به نیازهای ثابت و متغیر انسان‌ها از ویژگی‌های مهم احکام اسلام است که آن را جاودانه ساخته است. با توجه به اهمیت بالای مسئله اقتصاد، پژوهش‌های متعددی در قالب کتاب، پایان نامه و مقاله انجام شده است. از جمله کتاب‌های اقتصادی که بر مبنای آموزه‌های مذهبی به رشته تحریر درآمده است؛ می‌توان به این موارد اشاره نمود: اقتصادنا شهید صدر، نظریه‌ای بر اقتصاد اسلامی شهید مطهری و همچنین مبانی فقه نظام اقتصادی اسلام از اراکی اشاره کرد. در منابع تفسیری نیز درباره آیات اقتصادی مطالب تفسیری بیان شده است.

در پژوهش حاضر برای گردآوری اطلاعات، از منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است که با توجه به رویکرد بحث، مهم‌ترین منبع در این زمینه آیات قرآن کریم است و برای تکمیل مباحث به منابع تفسیری مراجعه شده است.

بررسی منابع مختلف نشان می‌دهد که به رغم تلاش تعدادی از پژوهشگران در تبیین بخش‌های مختلف مسائل اقتصادی از نگاه تعالیم اسلام و تبیین رویکردهای مختلف تفسیر اقتصادی قرآن، پژوهش مستقلی به نقش الغای خصوصیت در تفسیر آیات اقتصادی نپرداخته است. پژوهش‌های صورت گرفته در این رابطه عبارتند از: پایان نامه بررسی آیات مدیریتی قرآن در مواجهه با تحریم اقتصادی از ساکت و مقاله راهبردهای دفاع اقتصادی از منظر قصص پیامبران الهی و مقاله راهبرد اصلاحات اقتصادی حضرت شعیب از نگاه قرآن کریم، بررسی اهمیت اقتصاد در قرآن کریم با استفاده از یک الگوریتم ابتکاری، اقتصاد در قرآن کریم و غایت شناسی آیات اقتصادی قرآن کریم. در رابطه با الغای خصوصیت به مقاله ضوابط الغای خصوصیت از منظر امام خمینی و مقاله مناسبت حکم و موضوع و مجاری جواز الغاء خصوصیت و تنقیح مناط از منظر امامیه می‌توان اشاره کرد که فقط در رابطه با قاعده الغای خصوصیت به عنوان مسئله فقهی پژوهش صورت گرفته است.

پژوهشگر در نوشتار حاضر پس از مفهوم شناسی به مروری بر تفسیر برخی آیات اقتصادی و نقش الغای خصوصیت در آن آیات، پرداخته است.

مفهوم شناسی

الغاء: مصدر باب افعال از لغی به معنای از بین بردن است. (حسینی زبیدی، 1414، ج 20، ص 157)

خصوصیت: ویژگی‌های منحصر کننده (راغب اصفهانی، 1412، ص 284)

در این بحث یعنی عناصری که آیه را منحصر به زمان، مکان، اعلام و افراد خاصی می‌کند. در آیات و روایات و در آموزه‌های دینی عناصری وجود دارد که آیه یا روایت را منحصر به آن مورد می‌کند مثل داستان‌های قرآن. از طرفی این عناصر منحصرکننده با جاودانگی قرآن در تناقض است. چگونه می‌توان این منافات را مرتفع نمود؟ به واسطه‌ی قاعده‌ی الغاء خصوصیت که منشأ روایی و عقلانی دارد، عناصر انحصاری ملغی گردیده و به سایر موارد سرایت می‌گردد.

الغای خصوصیت یا الغای فارق از راه‌هایی است که به وسیله آن قصد شارع یا قانونگذار از نص آن استخراج می‌گردد و حکم آن مورد به سایر موارد و موضوعات دیگری که در مورد آن، نص وجود ندارد و احتمال داده می‌شود که این حکم با آن موارد ارتباط ندارد، سرایت داده می‌شود. در الغای خصوصیت نسبت به مورد و موضوع نصی که از شارع آمده است چنین عمل می‌شود که تمامی خصوصیات موضوع یا مورد حکم را بررسی نموده و آن خصوصیات را که یقین دارد تعلق حکم به موضوع به علت وجود آن‌ها در موضوع نبوده است؛ یکایک ملغی می‌نماید و از این طریق افراد بیشتری را در موضوع وارد می‌نماید و عمومیت آن را توسعه می‌دهد و به این صورت، حکم موضوعات دیگری را که در مورد آن‌ها نصی وجود ندارد و در تعلق این حکم به آن‌ها شک وجود دارد، روشن می‌نماید. (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، 1389، ج 1، ص 236)

اقتصاد: واژه اقتصاد از ماده «قصد» به معنای اعتدال، میانه‌روی و استقامت در راه است. (خلیل‌بن احمد فراهیدی، 1409، ج 5، ص 54) راغب اصفهانی در کتاب مفردات می‌نویسد: اقتصاد از

«قصد» به معنای استوار شدن راه اخذ شده است و به معنای میانه‌روی چیزی که دو طرف افراط و تفریط دارد. (راغب اصفهانی، 1412، ص 451)

واژه اقتصاد در قرآن کریم به اصطلاح امروزی نیامده است بلکه به صورت‌های مختلفی گاهی به صورت مصدر و گاهی به صورت امر آمده است که به معنای لغوی واژه اقتصاد به کار رفته است. واژه اقتصاد در اصل به معنای میانه‌روی و اعتدال در هر کاری در مقابل افراط و تفریط و یا کثری و انحراف است.

آیات اقتصادی: آن دسته از آیاتی که متضمن و حامل یک یا چند پیام و حکم شرعی - اقتصادی باشد.

در این قسمت آموزه‌های تربیتی برخی آیات اقتصادی با استفاده از قاعده الغای خصوصیت در قالب نکات تفسیری بیان می‌گردد:

1. مهلت دادن به بدهکار (ارفاق در حق بدهکاران تنگدست)

«وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره، 280)

«یکی از حقوق بدهکاران این است که اگر از پرداخت بدهی خود عاجز باشند، نباید سود تازه‌ای از آن‌ها گرفت بلکه باید برای پرداختن اصل بدهی نیز به آنان مهلت داده شود تا در هنگام توانایی، بدهی خود را پرداخت نمایند. در قوانین اسلامی تصریح شده که هیچ‌گاه نمی‌توان خانه و وسایل ضروری زندگی افراد بدهکار را به خاطر بدهی آنان توقیف نمود. طلبکاران می‌توانند از مازاد زندگی بدهکاران، حق خود را بگیرند. این نوعی حمایت روشن از حقوق طبقات ضعیف اجتماع است. اگر ثابت شود بدهکار از پرداخت بدهی خود کاملاً عاجز است، بهتر است که طلبکار یک گام انسانی بزرگ‌تر بردارد و از طلب خود صرف نظر کند که این یک عمل انسانی و اسلامی است. بخشش بدهکاران برای فرد و جامعه بهتر است چون از فاصله طبقاتی می‌کاهد و تعادل اقتصادی را برقرار می‌سازد و پاداش الهی را شامل حال طلبکاران می‌کند. البته این مطلب را

افراد آگاه و دانشمند متوجه می‌شوند ولی سودجویان سطحی‌نگر می‌پندارند که سود آنان کم‌تر می‌شود.» (رضایی اصفهانی، 1394، ج 5، ص 253)

طبرسی در جوامع الجامع در تفسیر آیه چنین می‌نویسد: اگر یکی از بدهکاران شما دچار تنگدستی شد، حکم این است که او را تا وقتی که تمکن پیدا کند، مهلت دهید. هر چند جمله «خبریه» است ولی در مقام طلب و امر است و منظور این است که تا زمان گشایش به او مهلت دهید. (طبرسی، 1412، ج 1، ص 152)

آیه 280 سوره بقره با توجه به این که آیات قبل و بعدش در سیاق مربوط به آیات ربا است در این معناست که ربا نگیرید و اگر کسی از شما وام گرفت و نتوانست وامش را بپردازد مهلتی به او دهید. الغاء خصوصیت در این آیه به این صورت است که شامل وام‌های غیر ربوی نیز می‌گردد و در جاهایی که وام گرفته نیز باید مهلت داده شود و نه تنها در مورد وام مهلت دهید بلکه اگر کسی به دلایل دیگری به غیر وام، بدهکار بود و خسارتی به فرد دیگری وارد کرد مثل این که در سانحه تصادف خسارتی به ماشین شما وارد کرد اگر بدهکار توانایی پرداخت خسارت را ندارد به او مهلت دهید. (محمدی شاهرودی، گفتار شفاهی استاد)

مهلت دادن و در فاز دوم، بخشش بدهکار، قدر متیقنی است که از آیه می‌توان استفاده کرد. مناط «ذوعسره» است. به نظر می‌رسد حکم امهال و صدقه، معلل به «تنگی معاش» است. در اینجا علت و مناط قطعی حکم در موضوع آمده است و می‌توان الغاء خصوصیت کرد.

هرگاه بدهکار نتواند بدهی خود را بپردازد مگر به مشقت، مانند آن که اگر بخواهد به قیمت کم‌تر فروشد زیان می‌کند و به سختی می‌افتد یا سزیمایه‌ای دارد که به دستش نرسیده یا محصولی دارد که زمان برداشت آن نشده است در این موارد طلبکار باید مهلت دهد و صبر کند تا زمانی که بدهکار به آسانی بتواند بدهی خود را بپردازد.. (ثقفی تهرانی، 1398، ج 1، ص 358)

در روایات (بحرانی، 1416، ج 1، ص 558) حد مهلت معین شده است و فرموده‌اند اگر بدهکار مالی را که بر عهده او است در معصیت صرف ننماید و تنگدستی وی بر والی مسلمین ثابت شود باید بدهی او را از بیت المال بپردازند. این احکام ویژه بدهکار در معامله ربوی نیست زیرا به

امنیت باشد افراد اطمینان می‌یابند و با آرامش و اطمینان در جامعه سرمایه‌گذاری خواهند کرد و سبب شکوفایی اقتصادی خواهند شد.

3. ایمان

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ» (اعراف، 96)

در تفسیر این آیه چنین آمده است: و اگر مردم شهرهایی که آیات الهی را تکذیب کردند، ایمان می‌آوردند و تقوای الهی داشتند، برکاتی از آسمان و زمین بر آنها نازل می‌کردیم ولی آنها آیات الهی را تکذیب کردند. در نتیجه به کیفر اعمالشان مجازات شدند. (زمخشری، 1407، ج 2، ص 133)

هرچند این آیه ناظر به اقوام پیشین است اما مفهوم آیه گسترده است و به ملت خاصی منحصر نیست و یک سنت و قانون الهی را بیان می‌کند؛ یعنی اگر ملتی با ایمان باشد، نعمت‌های زمین و آسمان بر آنها سرازیر می‌گردد. (حویزی، 1415، ج 2، ص 52) مصداق کامل این امر در زمان حضرت مهدی (عج) محقق خواهد شد و ملتی که راه طغیان و گناه در پیش گیرد، گرفتار عواقب اعمال خویش می‌شود. آیه فوق رابطه دوسویه فرهنگ و اقتصاد را بیان می‌کند. (رضایی اصفهانی، 1387، ج 7، ص 176 و 177)

4. پابندی به تعالیم الهی

«وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكْلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (مائده، 66)

زمخشری در تفسیر آیه می‌نویسد: و اگر آنها احکام تورات و انجیل برپا می‌داشتند و حدود الهی را رعایت می‌کردند و به آن چه بر آنان نازل شده ایمان می‌آوردند، خداوند روزی آنان را وسعت می‌داد. مقصود آیه این است که خداوند برکات آسمان و زمین را بر آنها ارزانی داشت و درختان میوه و محصولات کشاورزی آنها را افزایش داد. (زمخشری، 1407، ج 1، ص 658)

آیه فوق بر این اصل اساسی تأکید می‌کند که پیروی از تعلیمات آسمانی پیامبران، بازتاب گسترده‌ای در زندگی مادی و معنوی انسان‌ها دارد و زندگی را پر برکت و امن می‌سازد؛ آری، دین، انسان‌ها را در زندگی دنیا و آخرت به سعادت می‌رساند. (رضایی اصفهانی، 1387، ج 5، ص 173) همان طور که بیان شد پابندی و عمل به تعالیم الهی از اسباب بهره‌مندی از توسعه اقتصادی است و منحصر به زمان و مکان و افراد خاصی نیست.

نتیجه

بنا بر آن چه ذکر شد، آموزه‌های اقتصادی قرآن همانند سایر آموزه‌های قرآن کریم همه ابعاد زندگی انسان را فرا می‌گیرد و خطوط اصلی روابط و حقوق اقتصادی را تبیین می‌نماید. از ویژگی‌های مهم احکام اسلام، توجه به نیازهای ثابت و متغیر انسان‌هاست که نیازهای متغیر را بر اساس اصول ثابت مشخص ساخته است. در این نوشتار به بیان آموزه‌های تربیتی برخی آیات قرآن براساس قاعده الغاء خصوصیت پرداخته شد.

قواعد و دستورالعمل‌های کلی استخراج شده که بر اساس قاعده الغای خصوصیت در این پژوهش حاصل گردید عبارتند از: مهلت دادن به بدهکاران تنگ‌دست، لزوم داوطلب شدن افراد دارای صلاحیت جهت تصدی مناصب اقتصادی، لزوم نظارت حکومت بر امور اقتصادی (تولید، توزیع و...) در وضعیت بحرانی، نیل به خوکفایی، عدم تقدم تجارت بر امور دینی، پرداخت بخشی از مالیات اسلامی (خمس) به فقیران و در راه ماندگان، عدم تمرکز ثروت در دست عده‌ای معدود یا طبقه‌ای خاص، ممنوعیت مبادلات باطل، حرمت هرگونه کسب درآمد بدون تلاش، اصلاحات اقتصادی، از جمله دستورالعمل‌هایی است که قابلیت انطباق بر مصادیق جدید را دارد. استغفار، امنیت، ایمان و پابندی به تعالیم دینی از جمله عوامل معنوی رشد اقتصادی است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

1. اراکی، محسن، (1395ش)، فقه نظام اقتصادی اسلام، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
2. آلوسی، محمود، (1415)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
3. بحرانی، هاشم، (1416)، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران: بنیاد بعثت.
4. بهرام پور، ابوالفضل، (1398ش)، تفسیر مبین، قم: آوای قرآن.
5. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (بی تا)، أنوار التنزیل وأسرار التأویل (تفسیر البیضاوی)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
6. ثقفی تهرانی، محمد، (1398ق)، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، تهران: برهان.
7. جعفری، یعقوب، (1376ش)، تفسیر کوثر، قم: موسسه انتشارات هجرت.
8. حسین زاده، سعید و خاندوزی، احسان، (زمستان 1394)، راهبردهای دفاع اقتصادی از منظر قصص پیامبران الهی، فصلنامه آفاق امنیت، (شماره بیست و نهم)
9. حسینی زبیدی، محمد، (1414)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
10. حسینی همدانی، محمد حسین، (1404ق)، تفسیر انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
11. حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی، (بی تا)، تفسیر روح البیان، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
12. خوشنویس، جعفر، (بی تا)، خطوط کلی اقتصاد در قرآن و روایات، اصفهان: انتشارات کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام.
13. دیوبندی، محمود، (1385ش)، تفسیر کابلی (از دیدگاه اهل سنت)، تهران: احسان.
14. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (1412)، مفردات فی غریب القرآن، چاپ اول، دمشق: بیروت، دارالعلم دارالشامیه.

15. رضا، محمدی شاهرودی، گفتار شفاهی استاد
16. رضایی اصفهانی، محمد علی، (1387ش)، تفسیر قرآن مهر، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
17. _____، (1394ش)، قرآن و تربیت (تفسیر موضوعی میان رشته‌ای قرآن و علوم)، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
18. زمخشری، محمود بن عمر، (1407)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتاب العربی.
19. ساکت، محسن، (1399)، بررسی آیات مدیریتی قرآن در مواجهه با تحریم اقتصادی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری - دانشگاه قم - دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
20. سعدی، احمد و عظیم، ادیس، (بهار و تابستان 1400)، راهبرد اصلاحات اقتصادی حضرت شعیب از نگاه قرآن کریم، پژوهش‌های قرآن و حدیث، (شماره اول)
21. طباطبایی، محمدحسین، (1417)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
22. طبرسی، فضل بن حسن، (1375)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
23. _____، (1412)، تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه مرکز مدیریت.
24. طبری، محمد بن جریر، (1412)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفه.
25. طیب، عبدالحسین، (1369ش)، اطبیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: اسلام.
26. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، (1415)، تفسیر نورالثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
27. فاضل مقداد، مقداد، (بی تا)، کنز العرفان فی فقه القرآن، بی جا، ناشر مرتضوی.
28. فخر رازی، محمد بن عمر، (1420)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
29. فراهیدی، خلیل بن احمد، (1409) العین، قم: نشر هجرت.
30. فضل الله، محمد حسین، (1419)، من وحی القرآن، لبنان-بیروت: دارالملاک.

31. فیض کاشانی، محسن، (1415)، تفسیرالصافی، تهران: انتشارات الصدر.
32. قرائتی، محسن، (1388ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
33. قرطبی، محمد بن احمد، (1364ش)، الجامع لأحكام القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
34. قطب، سید، (1425)، فی ظلال القرآن، لبنان - بیروت: دارالشروق.
35. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، (1389ش)، فرهنگ‌نامه اصول فقه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
36. مکارم شیرازی، ناصر، (1371)، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
37. مهدوی کنی، محمد رضا، (1380ش)، اصول و مبانی اقتصاد اسلامی در قرآن، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
38. واحدی، علی بن محمد، (1411)، اسباب نزول القرآن (واحدی)، لبنان - بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.